

نقش کردها در بازی قدرت روسیه در خاورمیانه

به قلم [آنا بورشچفسکایا \(fa/experts/ana-bwrshchfskaya-0/\)](#)

۲۹ ژوئیه ۲۰۲۰

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/kurdish-role-russias-middle-east-power-play

العربية (/policy-analysis/aldwr-alkrddy-fy-lbt-alqwt-alrwsyt-fy-alshrq-alawst/)

درباره نویسنده



[آنا بورشچفسکایا \(fa/experts/ana-bwrshchfskaya-0/\)](#)

آنا بورشچفسکایا هموند ارشد انستیتو واشگتن برای سیاست شرق نزدیک و هموند «بنیاد اروپایی دموکراسی» است. او قبلاً با «شورای آتلانتیک» و «انستیتو پیترسون برای اقتصاد بین‌المللی» و نیز به عنوان تحلیلگر برای یک پیمانکار نظامی آمریکایی در افغانستان کار کرده است.



تحلیل کوتاه

همزمان با ادامه دخالت مسکو در کشمکش‌ها سیاست‌ها و امور انرژی منطقه خاورمیانه واشگتن نباید روابط ریشه‌دار روسیه با گروه‌های کُرد در کشورهای مختلف را دست‌کم بگیرد

در اوایل ماه جاری روسیه دوباره تلاش کرد تا کُردهای شمال و شرق سوریه را در مذاکره با دولت بشار اسد شرکت دهد هرچند این کار می‌تواند با تضعیف قطعنامه سازمان ملل (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/another-painful-compromise-on-humanitarian-assistance-in-syria>) برای کمک‌های بشردوستانه مرزی به این مناطق از کشور سوریه باعث تقویت این رژیم شود. به همین ترتیب روابط مسکو با کُردهای عراق همچنان مستحکم باقی مانده است حتی در زمانی که کرملین برای عملیات نظامی علیه کُردهای سوریه به ترکیه چراغ سبز نشان می‌دهد عملیاتی که به طور فزاینده‌ای به اقلیم کردستان عراق هم کشیده می‌شود و باعث آن است که مقامات اقلیم کردستان روزبه‌روز عصبی‌تر و شکننده‌تر (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/divisions-in-iraqi-kurdistan-are-costing-the-united-states-a-reliable-part>) شوند.

در خود روسیه مقامات ارشد و تحلیل‌گران روسی به طور مرتب درباره اهمیت کُردها و «مسئله کُردها» در منطقه حرف می‌زنند. فارغ از اینکه منافع واقعی پشت چنین حرف‌هایی چیست مسکو تا زمانی که این درگیری‌ها در منطقه ادامه دارد همچنان به روابط عمیق و چندجانبه خود با گروه‌های مختلف کُرد ادامه خواهد داد و این کار را نه تنها برای تقویت موقعیت خود در منطقه بلکه برای هرچه دورتر کردن کُردها از ایالات متحده انجام می‌دهد.

روابط دیرینه

هیچ کشوری به اندازه روسیه حامی کُردها نبوده است. رد پیوند تاریخی بین روس‌ها و کُردها را می‌توان حداقل تا زمان سلطنت کاترین کبیر دنبال کرد زمانی که امپراتوری روسیه با امپراتوری‌های عثمانی و ایران درگیر بود با قبایل کُرد کوچ‌نشین مواجه شد و کُردهای ایزدی را در جریان فتوحات قفقاز به اتباع خود تبدیل کرد. رهبران روسیه به طور فزاینده‌ای کُردها را به عنوان اهرمی در برابر این رقبا می‌دیدند و کُردها نیز امپراتوری روسیه را از اوایل قرن بیستم (دهه ۱۹۰۰) به عنوان حامی مهم خود می‌دیدند.

پس از پیروزی انقلاب بلشویکی روسیه مسکو به طور منظم با استفاده از جنبش‌های به اصطلاح «رهایمی‌بخش» برای ایجاد شورش در ایران عراق و ترکیه از هویت قومی بهره‌برداری می‌کرد و در هر کشور با گُردهای محلی همکاری نزدیکی داشت. در سال ۱۹۶۳ مقامات شوروی یک منطقه خودمختار گُرد تحت عنوان «قلمرو کردستان» [در کردی: کردستان سرخ] در [جنوب] آذربایجان ایجاد کردند که دیر نپایید.

گرچه گُردها از حکومت وحشت و ترور استالین هم جان به در نبردند همچنان در ذهن رهبری شوروی جای شاخصی داشتند. از این رو در سال ۱۹۴۶ مسکو از گروهی از گُردها که جمهوری مستقل مهاباد را در شمال [غربی] ایران پایه‌گذاری کردند حمایت کرد. پس از فروپاشی این جمهوری در پایان آن سال مصطفی بارزانی رهبر گُرد عراقی و ژنرال ارتش مهاباد و نیز بنیانگذار حزب دموکراتیک کردستان به همراه هموطنان خود به اتحاد جماهیر شوروی پناهنده شد و بیش از یک دهه در آنجا زندگی کرد. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ کرملین از خودمختاری گُردها در عراق به منظور حفظ کنترل‌اش بر بغداد حمایت می‌کرد و فشار روسیه به توافق خودمختاری در ۱۹۷۰ منجر شد.

در اواخر دهه ۱۹۷۰ زمانی که سوریه دولتی متکی به شوروی بود حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) شورشی درازمدت را به رهبری عبدالله اوجلان بر ضد ترکیه آغاز کرد که گاه دامنه آن به دره بقاع که تحت اشغال سوریه در لبنان بود و دیگر مناطق می‌رسید. پ.ک.ک طی سال‌ها جایگاه خود را در مدار مسکو تثبیت کرد و مخالفت ستیزه‌جویانه این گروه با دولت ترکیه اهرم‌های مفیدی را در ارتباط با آنکارا و نیز ناتو در اختیار رهبران روسیه قرار داد. پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی کرملین همچنان به استفاده از این برگ برنده گُردی ادامه داد از جمله به پ.ک.ک اجازه داد که دفتر نمایندگی‌اش را در مسکو دایر کند و پس از اخراج اوجلان از سوریه در سال ۱۹۹۸ به او پناهندگی داد. طبق گزارش *مسکو تایمز* تا سال ۱۹۹۹ حدود دویست هزار نفر گُرد در اطراف مسکو زندگی می‌کردند و حدود یک میلیون نفر نیز در سراسر اتحاد جماهیر شوروی سابق پراکنده بودند.

سیاست جاری روسیه در قبال گُردها

رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین و سایر مقامات ارشد روسیه غالباً بر روابط تاریخی ویژه روسیه با مردم گُرد تأکید می‌کنند و شجاعت آنها را در مقابله‌شان با «سرنوشت دشوار» و نقش موثرشان را در مبارزه با تروریسم می‌ستایند. بعضی از گُردها حتی در سیاست‌های روسیه در خاورمیانه نقش رسمی ایفا کرده‌اند. به گفته *فورس* سلیم‌خان موتسایف گُرد ایزدی عضو مجلس دومای روسیه «قبل از شروع عملیات نظامی در سوریه کاروان‌های بشردوستانه [روسی] را در بغداد و کردستان همراهی می‌کرد».

اما در واقعیت دور کردن گُردها از واشنگتن انگیزه اصلی سیاست‌های حمایتی روسیه از آنها است. به عنوان مثال در اواخر سال گذشته سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه ادعا کرد که مقامات آمریکایی مانع گفت‌وگو میان گُردهای سوریه و حکومت دمشق می‌شوند. وی همچنین به گُردها هشدار داد که حسابی برای حمایت ایالات متحده باز نکنند چرا که نیروهای آمریکا بر خلاف نیروهای روسیه به صورت «غیرقانونی» در سوریه مستقر شده‌اند. پوتین نیز در ماه نوامبر سخنان مشابهی ایراد کرد: «آنچه اکنون در مرز سوریه و ترکیه به دست آمده با حمایت گُردها و با در نظر گرفتن منافع آنها حاصل شده [...] مردم می‌بینند و می‌فهمند که ارتش روسیه برای محافظت از آنها آمده است.»

مسکو غیر از اینکه از این موضوع به عنوان چماق علیه واشنگتن استفاده می‌کند عمدتاً در مورد خودمختاری گُردها سیاست دوگانه‌ای دارد. در دسامبر سال ۲۰۱۶ پوتین در پاسخ به سؤالی درباره خودمختاری گُردهای عراق ادعا کرد: «ما در روند امور داخلی [عراق] دخالت نمی‌کنیم.» البته مسکو وقتی منافعش ایجاب کند هیچ تردیدی در مداخله در امور عراق ندارد اما در این مورد ترجیح داد خیلی ساده دخالت نکند.

با این حال حتی همین سیاست دوگانه نیز برای گُردها ثمربخش بوده است. هنگامی که اقلیم کردستان عراق در سپتامبر سال ۲۰۱۷ در مورد استقلال خود همه‌پرسی برگزار کرد روسیه موضع بی‌طرف اتخاذ کرد (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/in-search-of-a-new-patron-the-krq-turns-back-to-moscow>). در حالی که آمریکا و تقریباً همه بازیگران خارجی دیگر رسماً با آن مخالفت کردند. در بین واکنش‌های منفی بین‌المللی که قبل از همه‌پرسی و بعد از آن صورت گرفت مسکو با راه‌اندازی پروژه‌های جدید انرژی در اقلیم که نیازمند پول نقد بود قدرت عمل بیشتری کسب کرد و در نهایت خود را به عنوان برترین بازیگر نفت و گاز طبیعی در این منطقه تثبیت کرد.

برای مثال در فوریه ۲۰۱۷ «روس‌نفت» غول انرژی روسیه حدود ۳۰۵ میلیارد دلار به کردستان عراق قرض داد و نیز برای توسعه پنج مجتمع تولید نفت در این منطقه قراردادهایی امضا کرد و به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های صادراتی نفت و گاز محلی پرداخت. با انجام این کار مسکو اساساً اقلیم کردستان عراق را در یک مقطع حیاتی نجات داد و به گُردها اهرم قدرت بیشتری در مقابل بغداد بخشید (گرچه روسیه مراقب بود که معاملات انرژی مهم گازیروم با دولت فدرال عراق را هم به خطر نیندازد). در ماه می ۲۰۱۸ اقلیم کردستان در

مورد زیرساخت‌های گازی خود قراردادی با «روس‌نفت» منعقد کرد که طبق آن باید خط لوله‌ای از عراق به ترکیه کشیده می‌شد و این کار مسکو را قادر می‌ساخت در روابط انرژی گردهای عراق با آنکارا دخالت کند. اخیراً عملیات نظامی مداوم ترکیه در اقلیم کردستان باعث عمیق‌تر شدن شکاف‌های درونی بین گردها (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/iraqi-kurdistan-priority-issues-for-international-mediation>) شده است و روسیه می‌تواند با انجام معاملات بیشتر یا توسل به جناح‌های جدا-از-هم از این ناآرامی‌ها بهره‌برداری کند.

در سوریه روسیه با گردها به عنوان یک کارت برنده در طول جنگ بازی کرده است. هم برای حفظ اسد در قدرت و هم برای متقاعد کردن ترکیه تا موضع خود را نسبت به رژیم اسد تغییر دهد. کرملین بر خلاف واشنگتن هرگز پ‌ک‌ک را یک سازمان تروریستی شناخته و شعبه سوریه‌ای این گروه یعنی حزب اتحاد دموکراتیک از فوریه ۲۰۱۶ دفترش را در مسکو دایر کرده است. این کار تلافی‌جویی آشکار پوتین علیه ترکیه بود که در نوامبر ۲۰۱۵ با شلیک موشک یک جت نظامی روسیه را که وارد حریم هوایی این کشور شده بود سرنگون ساخت. پس از آن اردوغان به دنبال برقراری روابط حسنه با مسکو برآمد تا از شکل‌گیری یک دولت مستقل و تحت کنترل حزب اتحاد دموکراتیک در شمال سوریه جلوگیری کند.

لاوروف در سخنرانی دسامبر ۲۰۱۹ خود درباره گردهای سوریه اظهار کرد که اسد باید ضمن در اختیار گرفتن کنترل تمام قلمرو سوریه حق اقامت گردها در محل‌های سنتی‌شان را نیز در نظر بگیرد. در واقع مسکو خود را به عنوان یک میانجی نشان می‌دهد و مصرانه می‌خواهد که حقوق قانونی گردها در قانون اساسی سوریه گنجانده شود. اگرچه هدف اصلی‌اش حفظ بشار اسد در قدرت است رهبری که خودمختاری گردها را به تکه‌تکه شدن کشور تشبیه می‌کند و می‌گوید که نمی‌تواند با آن موافق باشد.

گردهای سوریه به نوبه خود انتظارات بیشتری از ایالات متحده دارند تا روسیه چرا که همکاری نظامی گردها با ایالات متحده خشم ترکیه را برمی‌انگیزد. با این حال وقتی واشنگتن اعلام کرد که از سوریه خارج می‌شود گردها چاره‌ای جز نزدیک شدن به مسکو و بشار اسد نداشتند و به پوتین این فرصت را دادند تا روابط خود را با آنها عمیق‌تر سازد و یک نیروی نظامی تازه‌نفس در شمال شرقی کشور مستقر کند.

نتیجه‌گیری

غیر از دستاوردهای تاکتیکی موقت گردهای سوریه بهره‌ای از حمایت روسیه نبردند. برعکس در اوایل سال ۲۰۱۸ صدها غیرنظامی گرد در نتیجه عملیات شاخه زیتون ترکیه در عفرین جان خود را از دست دادند. حمله‌ای که بدون تایید و هماهنگی مسکو نمی‌توانست انجام شود. در آن زمان سپیان هامو فرمانده نظامی حزب اتحاد دموکراتیک روسیه را به خیانت به گردها متهم کرد. در حالی که مسکو به طور غیرمستقیم ایالات متحده را مسئول این کشتار دانسته بود.

به همین ترتیب مسکو هیچ کاری برای محدود کردن تعرضات فعلی ترکیه در شمال عراق انجام نداده است. تا زمانی که منافع روسیه در گرو درگیری ترکیه با گردها باشد این کشور در تصمیم‌گیری‌های خود به جای نگرانی‌های بشردوستانه بر اساس منافع خود عمل خواهد کرد.

با این حال همکاری گردها با روسیه قابل‌فهم است. چرا که هر جماعتی در موقعیت آنها باشد به دنبال کسب حمایت خارجی خواهد بود. همانطور که مصطفی بارزانی یک بار به طعنه گفت: «من مثل یک گدای کورم [...] برایم فرقی نمی‌کند که چه کسی پول در دستم می‌گذارد.» با اینکه نباید گروه‌های گرد را یکپارچه در نظر گرفت اما بسیاری از رهبران گرد با توجه به سابقه طولانی حمایت روسیه از آنها در ارتباط با روس‌ها احساس راحتی می‌کنند. این واقعیت را نیز باید در نظر گرفت که مسکو آنها را به خاطر برخی مسائل حساس داخلی مثل فساد سیاسی و حقوق بشر تحت فشار قرار نمی‌دهد. از همه مهمتر تجربه ثابت کرده که گردها به راحتی نمی‌توانند بر حمایت غربی‌ها تکیه کنند. تصمیم ناگهانی دولت ترامپ مبنی بر عقب‌نشینی از شمال سوریه در دسامبر گذشته این استنباط را تقویت کرده است. نیروهای گرد در معرض حمله نیروهای نظامی ترکیه و نیروهای نیابتی آنها به دست سرنوشت رها شدند و در نهایت برای پایان دادن به این کشتار به پوتین و اسد نزدیک‌تر شدند.

با در نظر گرفتن این تحولات مقامات غربی نباید نفوذ مسکو در میان گردهای سوریه عراق و جاهای دیگر را دست‌کم بگیرند. از آنجا که کرملین منافع خاورمیانه‌ای خود را به شیوه‌ای بدبینانه بی‌رحمانه و اغلب بی‌ثبات‌کننده دنبال می‌کند. غرب نیز باید به دنبال گسترش نفوذ خود در میان گردها باشد.



BRIEF ANALYSIS

Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

فوریہ ۲۰۲۲ ۱۱

◆
Farzin Nadimi

[\(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology\)](/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology)



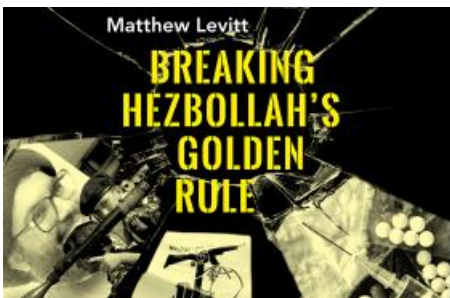
BRIEF ANALYSIS

Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

فوریہ ۲۰۲۲ ۱۱

◆
Simon Henderson

[\(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism\)](/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism)



ARTICLES & TESTIMONY

Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

فوریہ ۲۰۲۲ ۹

◆
Matthew Levitt

[\(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule\)](/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule)

[\(fa/policy-analysis/trkyh/\) ترکیه](#)

[\(fa/policy-analysis/swryh/\) سوریه](#)

[\(fa/policy-analysis/raq/\) عراق](#)